

شکوفایی ت

رضا فرهادیان

مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید - قم

است. «ادب» زیربنای ساختار همه فضائل و مکارم اخلاقی است. اگر از ابتدای رشد و پرورش فرد به آن توجه نشود، سایر آموزه‌های دینی و اخلاقی هم به فراموشی سپرده خواهد شد.

عقل هم که از سرمایه‌های مهم انسان است، به ادب محتاج است و اگر کسی ادب نداشته باشد از عقلش هم بهره‌ای نمی‌برد. امام علی (ع) فرمودند: «هر چیزی نیازمند عقل است و عقل نیازمند ادب است.»^۱ چون پایه دین عقل است و حتی کسی هم که آموزه‌های دینی را یاد گرفته است، اگر بخواند دیندار واقعی باشد، نیازمند «ادب» است. «کسی که ادب ندارد دین هم ندارد.»^۲

در فرهنگ اسلامی واژه تربیت چندان به کار برده نشده و آنچه در نظر اولیای دین برای رشد و پرورش شخصیت مؤمن مطرح بوده، «ادب» است. چرا که ادب اساس شخصیت فرد مؤمن و مسلمان را پایه‌ریزی می‌کند. اگر انسان ادب نداشته باشد، در حالی که تمام احکام و عبادات و فضائل دینی را هم بداند، شایسته تکریم نیست، زیرا به مقدمات «ادب

حضور» در پیشگاه رب‌العالمین راه نیافته است. اساس شکوفایی آموزش و پرورش دینی منوط به کسب و رعایت ادب و اخلاق توسط پیروان آن مکتب است. جامعه‌ای که از «ادب» تهی باشد، حتی اگر تمام ظواهر احکام دینی را هم رعایت کند، پایه‌های آن متزلزل و درهم شکسته می‌شود. جامعه‌ای که در آن حریم کوچک و بزرگ، احترام اعضای خانواده، استاد و مربی و... از بین رفته باشد، قابل دوام نیست. مشکلات رفتاری و اخلاقی امروز افراد جامعه و برخی صاحبان موقعیت‌ها و مقامات اجتماعی، به تربیت دوران خردسالی در خانه و مدرسه برمی‌گردد. بنابراین «ادب» مهم‌ترین زیرساخت تربیت دینی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. اگر به این موضوع توجه نشود، تعلیم آموزه‌های دینی و برنامه‌ها و اقدامات و فعالیت‌های دیگر بازدهی چندانی نخواهد داشت.

انسان به میزانی ارزش و قدر و قیمت پیدا می‌کند

اساس شکوفایی آموزش و پرورش در جامعه اسلامی به شناخت ارزش‌های متعالی کاربردی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی وابسته است. بخش حساس سال‌های اولیه زندگی کودک در خانواده و پس از آن در اولین نهاد اجتماعی برای تربیت، یعنی مدرسه، که دوره شکل‌گیری شخصیت نوآموز است، سپری می‌شود.

پس از خانواده،

مهم‌ترین سال‌های

کودکی و نوجوانی در مدرسه می‌گذرد. در این مرحله کودک وارد مرحله «طاعت» و سپس «وزارت» می‌شود. شناخت ویژگی‌ها و عوامل اصلی تأثیرگذار در ساختار شخصیت نوآموز و برنامه‌ریزی برای آن، نقطه تحول در نظام آموزش و پرورش است. بنابراین، براساس آموزه‌های دینی، مقدمات رشد و پرورش و شکل‌گیری شخصیت آدمی از همان روزهای نخست حیات و حتی پیش از تولد آغاز می‌گردد و آثار آن تا آخرین لحظات حیات باقی می‌ماند. این شکل‌گیری در سال‌های نخستین زندگی، به‌ویژه دوران کودکی و نوجوانی، به‌صورت ویژگی‌های روحی و روانی و در رابطه با مناسبات اجتماعی، بروز می‌کند.

تغییر و تحول در ساختار آموزش و پرورش کشور، به‌ویژه با توجه به تغییر در عناصر مهم تأثیرگذار در نظام ساختاری شخصیت انسان در طول دوران مهم رشد، باید در خانواده و در نظام آموزشی و تربیتی مدرسه، اتفاق بیفتد. مهم‌ترین عنصر تحول که در این دوره بسیار مورد توجه واقع شده و از طرف اولیای دین بر آن تأکید فراوان شده است، «ادب» است.

«ادب» مقدمه و زمینه‌ساز کسب تمام فضائل و ارزش‌های اخلاقی و دینی در تمام طول مدت رشد است، به‌طوری که در بیشتر روایات و توصیه‌های دینی ما، به‌جای کلمه «تربیت»، از کلمه «ادب» استفاده شده است. محصول تربیت انسان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، یافتن هویت «انسان مؤدب»

اگر انسان ادب نداشته باشد، در حالی که تمام احکام و عبادات و فضائل دینی را هم بداند، شایسته تکریم نیست، زیرا به مقدمات «ادب حضور» در پیشگاه رب‌العالمین راه نیافته است

ریت



که شاخصه «ادب» در او پررنگ تر باشد. عیار سنجش ارزش افراد ادب است. ادب داشتن شاخصه ایمان و مؤمن است. وسیله تقرب به خدا و محبوبیت نزد وی و زمینه ساز ادب حضور در پیشگاه باری تعالی است. بنابراین، مهم ترین عامل زمینه ساز و تأثیربخش در تشکیل ساختار شخصیت انسان که به فرایند تفکر، رفتار و اعمال، در مواجهه با خلق و خالق و رشد معنویت و دینداری واقعی منجر می شود، ادب است.

امام صادق (ع) فرمودند که: «اگر از عمرت دو روز باقی مانده است، یک روز آن را به ادب بپرداز تا از آن برای روز باقی مانده کمک بگیری.»^۲

از خدا جوییم توفیق ادب

بی ادب محروم ماند از لطف رب (مولوی)
پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فرزند در هفت سال اول سید و آقا، در هفت سال دوم مطیع و فرمان بردار و در هفت سال سوم وزیر و مسئول است.»^۴ بعد فرمود: «بگذار فرزند هفت سال اول بازی کند و هفت سال دوم او را ادب بیاموز و هفت سال بعد هم او را همراه و مشاور خود قرار بده.»^۵
و در نهج البلاغه، امام علی (ع) به فرزند خود

امام حسن (ع) می فرماید: «دل نوجوانان همچون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود، می پذیرد. پس من پیش از آنکه قلبت سخت شود و ذهنت به امور دیگری مشغول شود، به ادب تو مبادرت ورزیدم.»^۶
و در ادامه می فرماید:

«کسی که خود را در مقام هدایت و تعلیم مردم قرار می دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگری همت گمارد، به تهذیب خویش اقدام کند و ادب کردن با عمل، باید قبل از ادب کردن با زبان باشد. زیرا آنکه ادب آموز و معلم خویش است، به احترام سزاوارتر از کسی است که تنها معلم دیگران است.»^۷

«هیچ سرمایه ای بالاتر از ادب نیست.»^۸

«ادب نشانه کمال انسان است.»^۹

«بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می گذارند، ادب نیکو است.»^{۱۰}

«بالاترین ادب این است که انسان قدر خودش را بداند و از حد خویش تجاوز نکند.»^{۱۱}

«فرزندان خود را گرامی دارید و با ادب و آداب پسندیده تربیت کنید تا خداوند شما را مورد آمرزش قرار دهد.»^{۱۲}

* منابع

۱. محدث، سید جلال الدین. شرح غررالحکم، ج ۴، حدیث ۶۹۱۱، ص ۵۴۲، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۲. همان، ج ۶، حدیث ۱۰۷۶۹، ص ۴۰۰.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب. الروضة الکافی، ج ۸، حکمت ۱۳۲، ص ۱۵۰.
۴. طبرسی، حسن بن فضل. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.
۵. حرّ عاملی، شیخ محمدحسن. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۵.
۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱، همان.
۷. همان، ج ۶، ص ۳۵۳.
۸. همان، ج ۱، ص ۲۴۶.
۹. همان، ج ۳، ص ۴۳۸.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۴۴۷.
۱۱. همان، ج ۴، ص ۲۳۴.